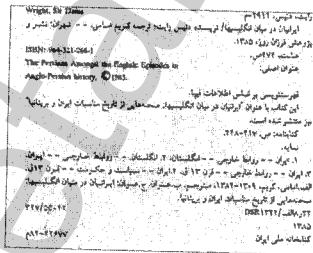


ایرانیان در میان اتکلیما

دنيس دايت
ترجمه کوريم املى



تهران ۱۳۸۵



ایرانیان در میان انگلیسیها

دنيس رايت

ترجمه زنده یاد کریم امامی

ویراستار: کاوه بیات

چاپ اول: نشر فرزان: ۱۳۸۵؛ تیراژ: ۱۶۵۰ نسخه

طراح گرافیک: علی بخشی

ناظر چاپ: مجتبی مقدم

حروف نگاری: نوآور؛ لیتوگرافی: ارغوان

چاپ: الوان؛ صحافی: مهرآیین

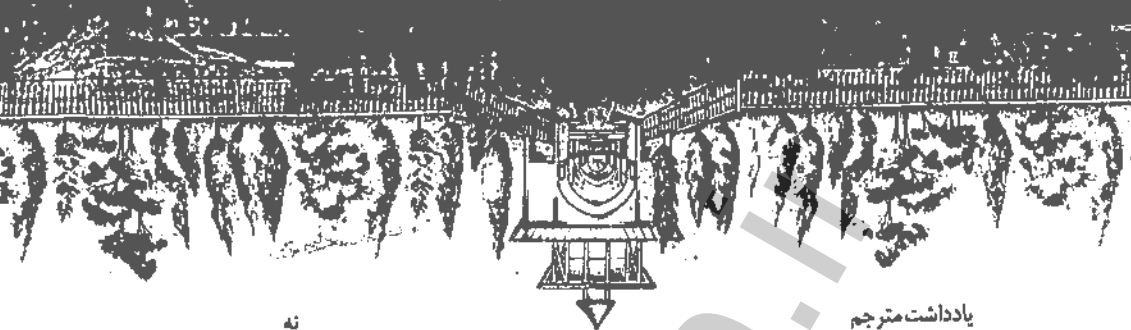
حق چاپ و نشر محفوظ است.

تهران - خیابان ملاصدرا - بزرگراه کردستان شمالی -

کوچه یکم - پلاک ۱۱ - کد پستی ۱۹۹۱۹۳۳۵۷۴

تلفن: ۸۸۸۷۲۴۹۹

E-mail: info@farzanpublishers.com
www.farzanpublishers.com



نه	یادداشت مترجم
۱	اولین ایلچی ایران در انگلستان
۱۵	چگونه یک ایرانی نمایندگی انگلستان را بر عهده گرفت
۴۳	«یک فاجعه دهشتناک پیش بینی نشده و چاره ناپذیر»
۵۹	سفیری که مقدمش گرامی نبود
۸۳	دو ایرانی ساکن هند
۹۹	سفیر فوق العاده
۱۳۱	اولین محصلین
۱۶۱	قصه سه شاهزاده
۱۸۹	سه ماموریت دیپلماتیک
۲۲۳	سفرهای ناصر الدین شاه به انگلستان
۲۵۷	محصلان بعدی
۲۷۷	کلاهبرداری لا طاری
۳۰۱	فراماسونری - سلاح سری انگلیسیها؟
۳۱۷	کابوس نشان زانویند
۳۳۹	بسنی ها و تحت الحمایه ها
۳۷۳	آخرین قاجارها
۳۹۱	پیوست ۱
۳۹۴	پیوست ۲
۳۹۷	پیوست ۳
۴۰۳	پیوست ۴
۴۱۰	پیوست ۵

یادداشت مترجم

کتاب ایرانیان در میان انگلیسها، آخرین اثر دیپلمات بازنشسته انگلیسی، سر دنیس رایت فراز و نشیبهای مناسبات ایران و انگلیس را از اواخر دوره صفویه تا پایان دوره قاجاریه مرور می‌کند و سرگذشت ایرانیانی را که در این میان با انگلیسها حشر و نشر داشته‌اند به تفصیل شرح می‌دهد. همین نویسنده قبلاً کتابی با عنوان انگلیسها در میان ایرانیان تألیف کرده بود که بیشتر در شرح احوال انگلیسیانی بود که در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به عنوان دیپلمات و جهانگرد به ایران سفر کرده و در بسیاری موارد عاقد قراردادهایی بودند که در چارچوب سیاست استعماری بریتانیای کبیر به خاطر حفظ امپراتوری آن کشور در هندوستان بر ایران تحمیل می‌شد.

خط مشی سیاسی دولت بریتانیا در قرون اخیر نسبت به ایران و دول همسایه مخصوصاً روسیه بر پایه دو اصل استوار بود: اول ضرورت حفظ و حراست هندوستان، مستعمره زرخیز که به قول خود انگلیسها چون «نگینی بر تارک تاج امپراطوری» می‌درخشید. خطری که هند را تهدید می‌کرد گاه از جانب فرانسویها بود که در اوج کشورگشایی ناپلئون سودای فتح هندوستان را نیز در سر می‌پختند؛ گاه از جانب روسهای تزاری که در قرن نوزدهم قلمرو خود را در آسیای میانه توسعه می‌دادند؛ گاه از جانب قبایل افغان که به ایالتهای هند در همسایگی خاک خود دست‌اندازی می‌کردند؛ و گاه از جانب مردمان خود هند - هندوان و هندیان - که سر به شورش برمی‌داشتند تا یوغ استعمار را به یکسو بیفکنند. در بیشتر این موارد ایران برای

انگلیسیها جزئی از دیواره‌ای بود که راه هند را بر دشمنان می‌بست. اصل دوم به نفت مربوط بود. پس از اعطای امتیاز اکتشاف و بهره‌برداری نفت به دارسی و استخراج آن در خوزستان توسط شرکت نفت انگلیس [و ایران] حفظ منافع نفتی بریتانیا یکی از ارکان مهم و فائق سیاست انگلیس در منطقه بود و همین دو اصل بود که چارچوب مصالح عالیله بریتانیای کبیر را در ایران تشکیل می‌داد، چارچوبی که به نوبه خود جزئیات سیاست روز به روز آن دولت را در ایران تعیین می‌کرد. به خاطر همین چارچوب بود که وجود یک ایران مستقل و نیرومند و خودرأی و ایرانیانی آزاداندیش و سربلند که منافع و مصالح وطن خود را بر منافع اجنبی مقدم بدارند همیشه به نفع دولت بهیه نبود، هرچند که مؤلف عقیده دارد حمایت از استقلال ایران همیشه از رئوس سیاست دولت بریتانیا در منطقه بوده است. به خاطر همین چارچوب بود که انگلیسیها ترجیح می‌دادند کسانی در ایران بر سر کار باشند که از آنان حرف‌شنوی داشته و در لحظات حساس و سرنوشت‌ساز در جهت حفظ مصالح سیاسی و تجاری انگلیس، و نه الزاماً مصالح سیاسی و تجاری وطن خودشان، اقدام کنند.

تصویری که مؤلف از این «دوستان خوب انگلیس» ترسیم می‌کند به هیچ وجه اسباب افتخار و سرافرازی خواننده فارسی‌زبان امروز نیست. در این نگارخانه چگونه چهره‌هایی را در برابر خود می‌یابیم؟ چهره پادشاهانی که در ازای دریافت «پیشکش» آماده بودند امتیاز بهره‌برداری از همه منابع زیرزمینی مملکت را به خارجی واگذار کنند و حتی از دریافت مقرری مرتب از دولت انگلیس و احیاناً روسیه یا فرانسه یبائی نداشتند؛ صدراعظمهایی که مداخل خودشان را بر مصالح کشور مرجع می‌شمردند و وارد آوردن ضربه بر رقیب خانگی برایشان مهمتر از ضربه زدن بر دشمن خارجی بود؛ سفیرانی که به خاطر خدماتشان به «کمپانی» مقرری بگیر مادام‌العمر می‌شدند و محصلاتی که در بازگشت از سفر فرنگ خدمتگزار فرهنگی جماعت از آب درمی‌آمدند. در کتاب برعکس، از ایرانیان و طنخواه که به فرمان اربابان لندن وقعی نمی‌نهادند و با سیاست استعماری انگلستان به ستیز برمی‌خاستند کمتر نشانی می‌یابیم. مؤلف حد و حدود کار را طوری چیده است که در مرور مناسبات ایران و بریتانیا نیازی - یا حداقل نیاز چندانی - به معرفی چهره‌های استعمارستیزی چون سید جمال‌الدین اسدآبادی یا

میرزای شیرازی یا رئیسعلی دلواری تنگستانی یا مدرس یا مصدق نداشته باشد. وی در عوض بیشتر به کسانی می‌پردازد که در «انگلیسی خواهی» گوی سبقت از یکدیگر می‌ربودند، و همینها هستند که بیشتر صفحات کتاب را پر می‌کنند.

در مورد روابط فراماسونری انگلستان و ایران نیز مؤلف ظاهراً کوتاه آمده است، هرچند که یک فصل تمام از کتاب (فصل سیزدهم) به بررسی این موضوع اختصاص دارد. مؤلف در پایان فصل به این نتیجه می‌رسد که انگلیسیها از فراماسونری به مثابه حربه‌ای سری و شیطانی استفاده نکرده‌اند ولی آیا واقعاً کلام آخر همین است؟ مؤلف آیا همه حقیقت را گفته یا اینکه به شیوه مرضیه دیلماناتها تنها بخشی از حقیقت را گفته و بقیه را درز گرفته است؟ مترجم که فقط یک مترجم است نمی‌تواند در این باره از موضع یک مورخ آگاه اظهار نظر کند، ولی دو نکته برای او روشن است: اول اینکه فصل سیزدهم کوتاه‌ترین فصل کتاب است و مؤلف می‌توانست، اگر می‌خواست، مطالب بیشتری درباره روابط فراماسونهای ایران با بریتانیا بر آن بیفزاید، از جمله رابطه‌ای که در سالهای بعد بین لژ بزرگ اسکاتلند و محافل فراماسونری ایران برقرار شد و افلا ده لژی ایرانی زیر کنترل استادان اعظم اسکاتلند قرار گرفتند.^۱ نکته دوم آن است که بسیاری از فراماسونهای قدیمی که مؤلف از آنان نام می‌برد در هر حال از «دوستان خوب» دولت بهیبه به شمار می‌آمدند و محفلی که به پرورش چنین «دوستانی» کمک می‌کرد یقیناً وجودش برای پیشبرد اغراض سیاسی آن دولت خالی از تأثیر نبود.

در بررسی مسائل تاریخی، تنها به قاضی نباید رفت و شرط تحقیق صحیح شنیدن روایات گوناگون هردو طرف هر ماجراست، در مورد روابط ایران و انگلیس نیز به روایت شیرین سر دنیس رایت اکتفا نباید کرد. هرچند ایرانیان هنوز اسناد و مکاتبات رسمی خود را چنانکه شاید و باید از بایگانی‌ها خارج نساخته و در اختیار تاریخ‌نویسهای خودی قرار نداده‌اند و آنچه مورخان ایرانی نوشته‌اند بیشتر بر پایه اسناد و گزارشهای سیاسی خود انگلیسیها نوشته شده، مراجعه به این آثار خود مرحله‌ای از کشف حقیقت است. و این است فهرست کوتاهی از چند کتاب که در حد خود می‌توانند روشنگر باشند:

۱. نگاه کنید به راتین، فراموشخانه و فراماسونری در ایران، ج ۳، صص ۱۸۶ تا ۲۳۰.

«حقوق بگیران انگلیس در ایران»، نوشته اسمعیل رائین (انتشارات جاویدان، ج ۸، ۱۳۶۲)

«تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم»، نوشته محمود محمود (انتشارات اقبال، ج ۸، چ ۵، ۱۳۶۲)

«فراموشخانه و فراماسوئری در ایران»، نوشته اسمعیل رائین (انتشارات امیرکبیر، ج ۳، چ ۳، ۱۳۵۸)

«دست پنهان سیاست انگلیس در ایران»، نوشته خان ملک ساسانی (انتشارات بابک، چ ۳، ۱۳۶۲)

«عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات در ایران»، نوشته ابراهیم تیموری (انتشارات اقبال، ج ۴، ۱۳۶۳)

دو مجموعه اسناد از میان اسناد برملاشده وزارت امور خارجه انگلیس نیز درخور توجه و تأمل است: مجموعه کتاب آبی مربوط به جنبش مشروطیت ایران که در همان ایام به دست مترجمان قاجاری به فارسی ترجمه شده و در زمان ما از نو ویراسته و دوباره به چاپ رسیده‌اند (به کوشش احمد بشیری، در هشت جلد، نشر نو - که تاکنون شش جلد آن منتشر شده) و مجموعه اسناد محرمانه وزارت خارجه انگلیس درباره قرارداد ۱۹۱۹ (ترجمه دکتر جواد شیخ الاسلامی، انتشارات کیهان، ۱۳۶۵).

و اما چند توضیح فنی:

- مترجم کوشیده است متن کتاب را با توجه به رنگ و بوی نشرهای قاجاری و اصطلاحات دیوانی آن زمان به فارسی برگرداند. از این رو سعی کرده است حوادث نقل شده را در مراجع فارسی نیز مرور کند و به همین خاطر گاه لازم آمده است برای روشن تر شدن مطلب دو سه کلمه از خود به متن بیفزاید. در این قبیل موارد مترجم همواره افزوده‌های خود را با قرار دادن بین دو قلاب - [] - مشخص ساخته است.

- شماره هایی که در متن بین دو کمان (پرانتز) قرار گرفته مربوط به ارجاعات مؤلف است و رد آنها را در بخش «منابع و مأخذ» در انتهای کتاب باید گرفت.

- شماره‌های تک (شماره‌های کوچک^۱ بالاچسته^۲ از سطر^۳) اشاره به توضیحات مؤلف - و مترجم - دارد که در پای هر صفحه با حروف ریزتر از متن چاپ شده‌اند. برای

تفکیک این دو دسته توضیحات از هم، عبارت «توضیح مؤلف» را به انتهای پانوشتهای نویسنده افزوده‌ایم. توضیحات مترجم طبق معمول با افزودن نشانه اختصاری «م.» مشخص شده‌اند.

— برای آسان‌تر شدن کار حروفچینی کتاب بر آن شدیم تا معادلهای لاتینی اسامی خارجی را در انتهای کتاب در بخش «فهرست راهنما» متمرکز کنیم و به حداقل حروف لاتینی در متن و پانوشته بسنده کنیم. در عوض سعی کرده‌ایم با گذاشتن اعراب روی بعضی از حروف اعلام ناآشنای تاریخی و جغرافیایی از مشکلات خواندن این اسامی بکاهیم. برای سهولت یافتن اصل لاتینی اسامی خارجی، مخصوصاً نامهایی که از چند جزء تشکیل می‌شوند از نشانه ستاره (*) برای مشخص ساختن محل قرارگرفتن نام در رده حروف الفبای فهرست سود جسته‌ایم. مثلاً از «جان» ملکم* چنین برمی‌آید که خواننده باید به رده حرف «م» در فهرست مراجعه کند و «ملکم، جان» را بیابد و نه به حرف «ج» با توقع یافتن «جان ملکم».

— مترجم کوشیده است تاریخهای کتاب را که در متن اصلی همه به صورت سنه میلادی داده شده‌اند در بیشتر موارد به هردو صورت میلادی و هجری قمری (یا خورشیدی) بدهد و برای جدا کردن دو سنه برابر از خط مایل [/] سود جسته است. سنه دست راست همیشه سال میلادی است و سنه دست چپ سال هجری. در تبدیل تاریخ از جدولهای* «ووستن فلد - مالر» (چاپ ویسبادن، ۱۹۶۱) سود جسته‌ایم و تاریخ رویدادهای مهم را هم در مراجع فارسی کنترل کرده‌ایم. در عین حال خوانندگان باید توجه داشته باشند که جدولهای تبدیل تاریخ که بر اساس فرمولهای نجومی تهیه می‌شود با تقویم قمری واقعی که براساس «رؤیت هلال» عمل می‌کند گاه تا یکی دو روز اختلاف دارد. ازاین رو در مواردی که تاریخی با ذکر روز و ماه و سال داده شده احتمال مقداری لغزش در تبدیل آن وجود دارد. فراموش نکنیم که حتی در حال حاضر بین تقویم هجری قمری ایران و برخی کشورهای اسلامی دورتر مثل مصر یا عربستان سعودی اغلب یک روز اختلاف وجود دارد.

— در مورد عبارات و جمله‌های ترجمه شده از فارسی در متن اصلی کتاب، روش صحیح یافتن اصل این عبارات و نقل آنهاست و نه ترجمه دوباره آنها به فارسی، چون یقیناً دوبار ترجمه باعث می‌شود از اصل عبارات دور بیفتیم و حداقل در الفاظ — اگر نه

معنی - دگرگونی حاصل شود. مترجم کوشیده است در این گونه موارد اصل عبارات نقل شده را بیابد و در متن جای دهد، اما همیشه موفق نبوده است: یا به اصل فارسی دسترسی حاصل نشده - مثل متن فارسی حیرت‌نامه میرزا ابوالحسن که هنوز به چاپ نرسیده است و نسخه‌های دستنوشته آن هم به آسانی در دسترس نیست - و یا به علت مشکلات دیگری نتوانسته‌ایم جمله یا شعر مورد نظر را در متون فارسی پیدا کنیم. در هر حال، در مواردی که مترجم موفق شده است اصل عبارت مورد نظر را نقل کند مشخصات و شماره صفحه متن اصلی را در بخش «منابع و مأخذ» به ارجاعات مؤلف افزوده است. در غیر این صورت اجباراً ترجمه دوباره‌ای از متن انگلیسی به فارسی صورت گرفته است.

چند یادداشت نهایی

صفحه ۸۴: در سال ۱۳۶۴ سرانجام چاپ حروفی پاکیزه‌ای از کتاب تحفة العالم به کوشش آقای صمد موحد توسط انتشارات ظهوری انتشار یافت و اینک این کتاب جالب در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد. زحمات مصحح و ناشر مأجور!

صفحه ۱۲۵: متن فارسی حیرت‌نامه نیز در سال ۱۳۶۴ برای اولین بار به چاپ رسید.^۱ ولی مترجم از مرور آن به هیچ وجه دلشاد نشد. اشکالات کتاب، مخصوصاً از لحاظ ضبط اسامی رجال انگلیس و مکانهای آن دیار، به اندازه‌ای زیاد است که جز اظهار تأسف چیزی نمی‌توان گفت. دخالت مصحح محترم در متن نیز در بیشتر موارد به اشکالات کتاب افزوده است. در هر حال مترجم چندبار در جستجوی اصل عبارات نقل شده در کتاب حاضر به متن حیرت‌نامه حمله برد ولی چندان طرفی نسبت تا در فرصتی دیگر...

صفحه ۱۵۹: خوشبختانه در این میان متن جدید و اصلاح‌شده‌ای از سفرنامه میرزا صالح شیرازی انتشار یافت که به هیچ وجه اشکالات دو چاپ قبلی را ندارد. مشخصات چاپ جدید به این شرح است:

مجموعه سفرنامه‌های میرزا صالح شیرازی، به کوشش غلامحسین میرزا صالح، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۴.

۱. حیرت‌نامه: سفرنامه ابوالحسن ایلچی به لندن، به کوشش حسن مرسل‌وند، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چهارده

صفحه ۱۸۸: کتاب تیمور میرزا درباره پرنندگان شکاری بازنامه ناصری نام دارد که در سال ۱۲۸۵ ق/ ۱۸۶۸ م در تهران به صورت چاپ سنگی به طبع رسیده است. دوستعلی خان معیرالممالک که خود از پرنده بازان معروف است در سلسله مقالاتی که با عنوان رجال عصر ناصری دارد^۱ می نویسد کتاب «شامل کلیه نکات و چگونگی حالات و خصایص طیور شکاری و طرق تربیت آنهاست. با اطلاعات و تجربیاتی که [تیمور میرزا] در طول سالها دقت و زحمت اندوخته بود در کتاب خود نکته ای را فروگذار نکرده و مجموعه ای در نوع خود بی نظیر به یادگار گذاشته است.» کتاب بازنامه ناصری به انگلیسی هم ترجمه شده است. مترجم آن سرگرد فیلوت (D. C. Phillot) انگلیسی است که در فاصله سالهای ۱۹۰۱ تا ۱۹۰۳ کفیل کنسولگری انگلیس در شهر کرمان بوده است. ترجمه انگلیسی بازنامه در سال ۱۹۰۸ به طبع رسیده است. سرگرد فیلوت همان کسی است که ترجمه فارسی میرزا حبیب اصفهانی از کتاب سرگذشت حاجی بابای اصفهانی جیمز موریه را نیز برای اولین بار در کلکته به طبع رسانید.

* * *

مترجم عرض دیگری ندارد جز عرض معذرت به خاطر سهوهایی که احياناً هنوز در ترجمه وجود دارد و خوانندگان تیزبین ممکن است در حال یا آینده آنها را بیابند، و عرض تشکر از همه کسانی که او را در گذراندن کتاب از هفت خوان ترجمه و چاپ یاری داده اند.

ک. ا.

تجربش، فروردین ۱۳۶۴